استناد به این مقاله: محمدی استانی، مرتضی، شعبانی، احمد، و رجایی پور، سعید (1390). امکان سنجی و پیاده‌سازی مدیریت دانش در کتابخانه های دانشگاهی شهر اصفهان بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز. پژوهشنامه *کتابداری و اطلاع رسانی، 1(1)*، 23-44.

امکان سنجی و پیاده‌سازی مدیریت دانش در کتابخانه های دانشگاهی شهر اصفهان بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز

مرتضی محمدی استانی[1]، دکتر احمد شعبانی[2]، دکتر سعید رجایی‌پور[3]

دریافت: 1390/1/23، پذیرش: 1390/2/26

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی امکان پیاده‌سازی مدیریت دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز است. روش انجام پژوهش حاضر توصیفی - پیمایشی، و جامعه آن کتابداران شاغل در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان در سال تحصیلی 1388-1389 بود. به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول نمونه‌گیری عمومی کوکران استفاده و تعداد 138 نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه پژوهشگر ساخته با مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت بود. روایی صوری پرسشنامه توسط استادان با تجربه تایید و به منظور پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ (0/80) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، آمار توصیفی و استنباطی به کمک نرم‌افزار آماری SPSS 16 استفاده گردید. نتیجه پژوهش نشان داد که امکان پیاده‌سازی مدیریت دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز پایین‌تر از اندازه متوسط (19/36) است و پیاده‌سازی آن نیز بطور یکسان وجود ندارد. افزون بر این، اختلاف دیده شده میان میانگین آزمودنی ها بر پایه عامل های جمعیت‌شناختی جنسیت، رشته تحصیلی، سابقه اشتغال، سطح تحصیلات، نوع کار، و نوع کتابخانه تفاوت معنی داری وجود ندارد ($P>0/05$)، ولی، در متغیر سطح تحصیلات در مولفه تسهیم و ارزیابی دانش، تفاوت معناداری وجود دارد ($P<0/05$). به سخنی دیگر، کتابداران با سطح تحصیلات دیپلم امکان پیاده سازی تسهیم و ارزیابی دانش را نسبت به کتابداران با سطح تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد بیشتر می دانند.

کلیدواژه ها: *پیاده سازی مدیریت دانش، دانشگاه اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشگاه*

---

[1] کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه اصفهان، morteza_mohamadi64@yahoo.com

[2] دانشیار گروه کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه اصفهان، shabania@edu.ui.ac.ir

[3] استادیار گروه کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه اصفهان، s.rajaipour@edu.ui.ac.ir

صنعتی اصفهان، کتابخانه های دانشگاهی، مدل بکوویتز و ویلیامز، مدیریت دانش

مقدمه و بیان مسئله

مبنای ثروت آفرینی در اقتصاد امروز، دانش و تخصص است. به گونه‌ای که کارآفرینان از دانش و اطلاعات ثروت می‌آفرینند. لیسترو تارو در کتاب ثروت آفرینان از انقلابی خبر داد که حرکت خود را از اندیشه ها گرفته و دوران معاصر، دوره چیره شدن دانش و تخصص‌های جدید است. همچنین، در برنامه‌ریزی به اهمیت نقش دانش، فناوری و مهارت به عنوان اصلی‌ترین عامل های ایجاد ارزش افزوده توجه ویژه ای نشان دادند (احسانی، 1385، ص. 4). دگرگونی و تغییر در فضای رقابتی سازمان‌ها زمینه‌ساز زایش فضای نو در فرایند سازمانی شده است. این جریان ها، تغییر پیاپی دانش را در سازمان ها فراهم آورده است. به گونه ای که جریان دانش، بازار را در حال تغییر پیاپی قرار داده و سازمان ها ملزم به تغییر در چارچوب دگرگونی‌های پیش گفته هستند. بنابراین، مدیریت دانش به‌عنوان سپری در برابر این جریان ها و تغییرها پدیدار گشت.

مدیریت دانش موضوعی گیرا برای بسیاری از قلمروهای صنعتی، اقتصادی، و دانشگاهی است. مدیریت دانش با شعار مدیریت "دانش" موجود در ذهن ها پدیدار گشت و در کمتر از چند دهه، به یکی از موضوع های جالب و گیرای مدیریتی تبدیل شد. همچنین، با ورود به قرن بیست و یکم، دانش به عنوان منبعی فناناپذیر مورد توجه بسیاری از جامعه ها قرار گرفته و لزوم بهره‌گیری و کنترل آن ضروری به نظر می‌رسد. در نتیجه مرز میان کشورهای پیشرفته و درحال پیشرفت در استفاده و بهره‌برداری بهتر از دانش است. در سال‌های اخیر دانش به عنوان یک کالا در نظر گرفته می‌شود، به‌طوری که می‌تواند سبب مزیت رقابتی گردد.

در این میان، رشته‌ها و قلمروهای مرتبط نیز توانستند از برخی اصول و برتری های مدیریت دانش استفاده کنند. از آنجا که این مبحث از دل دانشگاه برآمده، نظام آموزش عالی بنابر ماهیت خود می‌تواند با توانمند شدن به اصول و مبانی مدیریت دانش عملکرد و کارایی خود را افزایش دهد. بنابراین، مدیریت دانش یکی از بهترین گزینه‌ها برای کمک به جامعه دانشگاهی است. دانشگاه مبدا تولید دانش و علم است و با توجه به حرکت جامعه بشری به سوی اجتماع "دانش بنیان" مدیریت و کنترل بر دانش، نقشی پایه ای در شکوفایی و رشد جامعه ها خواهد داشت.

پیاده‌سازی مدیریت دانش نه تنها برای شرکت ها و سازمان های بزرگ و انتفاعی اهمیت دارد، بلکه برای سازمان های غیرانتفاعی همچون دانشگاه ها مهم و ضروری است. میکولکی و میکولکا (Mikulecky & Mikulecka, 1999) محیط دانشگاه را محیطی مناسب برای کاربرد اصول و روش‌های مدیریت دانش می‌دانند. معرفی ابزارها و روش‌های مدیریت دانش، دانشگاه ها را برای اشتراک دانش، بهبود سطح همکاری آموزشی و پژوهشی، و بهبود ارتباط های کاری میان کارمندان و دانشجویان توانا خواهد کرد (Mohayidin et al., 2009, p. 302-303).

قلمرو نوظهور مدیریت دانش فرصتی را برای کتابخانه های دانشگاهی به منظور بهبود اثربخشی خود و سازمان های مادر به وجود آورده است (تاونلی، 1380، ص. 100). کتابخانه‌های دانشگاهی در اجرای هر چه بهتر مدیریت دانش نقشی بی مانند دارند. بنابراین، کتابخانه ها به‌عنوان ملزوماتی در دانشگاه ها که منبع دانش و اطلاعات هستند از موقعیت بهتری برای پیاده‌سازی سیستم های مدیریت دانش برخوردار می باشند. کتابخانه های دانشگاهی و تخصصی با توانمندشدن به وسیله برنامه های مدیریت دانش، می‌توانند پویا و بهتر عمل نموده و همان مزیت های سازمان های انتفاعی برای کتابخانه‌ها نیز دست یافتنی است.

برای پیاده‌سازی مدیریت دانش در هر سازمان نیاز به قالب و مدلی است که بتوان تمام این فعالیت ها را نظام‌مند کرد. بدین منظور در پژوهش حاضر از مدل بکوویتز و ویلیامز به دلیل بسط و بررسی بهتر مرحله های پیاده‌سازی مدیریت دانش استفاده شد، که به اختصار توضیح داده خواهد شد. پیاده‌سازی برنامه‌های مدیریت دانش نیاز به مطالعات زمینه‌ای و امکان‌سنجی دارد، بنابراین، پژوهش حاضر سعی دارد تا امکان پیاده‌سازی مدیریت دانش را بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز در کتابخانه های دانشگاه های دولتی شهر اصفهان که شامل دانشگاه اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه علوم پزشکی اصفهان می‌باشد، از نظر کتابداران این کتابخانه‌ها بررسی کند. به سخنی دیگر، پرسش پایه ای پژوهش حاضر به این گونه است: "تا چه میزان پیاده‌سازی مدیریت دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی دولتی شهر اصفهان بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز امکان‌پذیر است؟"

پیشینه پژوهش

به منظور درک بهتر ابتدا به تعریف مدیریت دانش پرداخته می‌شود. گارتنر گروپ[1] مدیریت دانش را چنین توصیف می‌نماید: "رشته‌ای است که رهیافتی یکپارچه را برای شناسایی، تسخیر، ارزیابی، بازیابی، و اشتراک همه سرمایه اطلاعاتی یک سازمان ارائه و ترویج می‌دهد. این سرمایه اطلاعاتی شامل اسناد، پایگاه داده‌ها، سیاست‌ها، رویه‌ها، تجربه‌های نامضبوط قبلی و تجربیات افراد است" (Yang and Lynch, 2004, p. 30).

اسکایرم (Skyrme, 2003 in Ralph, 2008, p. 29) مدیریت دانش را "مدیریت نظام مند و صریح از دانش حیاتی و فرایندهای مرتبط با آن از جمله خلق، جمع‌آوری، سازماندهی، اشاعه، استفاده و بهره‌برداری می‌داند. مدیریت دانش نیازمند تبدیل دانش شخصی به دانش سازمانی است که به‌طورگسترده در سرتاسر سازمان به اشتراک گذاشته و به‌طور مناسب به‌کارگرفته می‌شود".

آن چنان که از تعریف های پیش گفته می توان نتیجه گرفت که دستمایه بنیانی این تعریف ها دانش است. دانش مفهومی جدید نیست و بخشی از ادراک و تجربه انسانی است. چالش کنونی دانش درک نظری و عملی این مفهوم است. امروزه هر بحثی در مورد دانش به سرعت به شکل‌گیری مشکل چگونگی تعریف دانش می انجامد. متخصصان درباره تعریف و ماهیت دانش نظرهای متفاوتی دارند. داشتن درکی روشن از ماهیت مدیریت دانش که دستمایه اصلی آن دانش است، ضروری می باشد. به باور آلی (Aali, 2002 در فایرستون و مک‌الروی[2]، 1387، ص. 13) چگونگی تعریف دانش، چگونگی اداره کردن آن را تعیین می کند.

داونپورت و پروساک[3] دانش را این گونه تشخیص می‌دهند: "مخلوطی سیال از تجربه ها، ارزش‌ها، اطلاعات موجود و نگرش‌های کارشناسی نظام یافته است که چارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌گیری از تجربه ها اطلاعات جدید به دست می‌دهد" (داونپورت و پروساک، 1379، ص. 21).

ویلسون (Wilson, 2002) به عنوان یکی از مخالفان سرسخت مدیریت دانش، دانش را این گونه بیان می‌کند: دانش آن چیزی است که ما می‌دانیم و شامل فرایندهای ذهنی از درک، فهم و یادگیری است. دانش تنها در ذهن است ولی با دنیای بیرون از ذهن و با دیگران تعامل دارد.

---

[1] Gartner Group
[2] Fireston & McElroy
[3] Davenport & Prusak

دانش از اطلاعات مشتق شده، بنابراین، از آن غنی‌تر و معنی‌دارتر است. دانش شامل خبرگی، آگاهی و درک کسب شده به روش تجربه یا مطالعه است. همچنین، دانش از مقایسه، شناسایی مستمر و ارتباط ها به دست می آید (National Library for Health, 2005, p. 3).

به‌طور کلی پنداشتن دانش به عنوان مجموعه‌ای از اطلاعات، ناشی از عدم درک واقعی دانش است. زیرا مفهوم دانش با عنصر انسانی گره خورده و در بیشتر این تعریف ها عنصر انسانی همچون حلقه‌ای گمشده است. خاستگاه اصلی دانش عنصر انسانی است نه مجموعه‌ای از اطلاعات یا هر چیز دیگر که باید در تعریف ها به آن توجه شود.

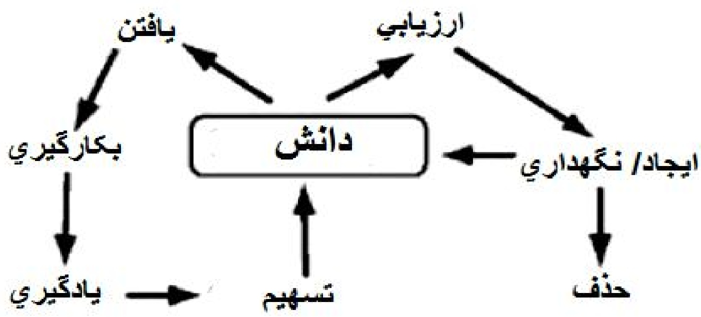
بیشتر مدل‌های نمایش داده شده در زمینه مدیریت دانش از نظر محتوایی شبیه یکدیگرند، ولی دارای واژه‌ها و مرحله هایی با ترکیب های متفاوت هستند. نکته‌ای که تا اندازه ای در بیشتر این مدل‌ها به چشم می‌خورد تاکید بر استفاده و به کارگیری دانش است و دیگر مرحله ها به منزله مقدمه‌ای برای ایجاد بسترهای لازم به منظور استفاده از دانش می باشد. مدل های موجود در زمینه پیاده سازی مدیریت دانش شامل مدل های نوناکا و تاکه‌اوچی[1]، هیکس[2]، ویگ[3]، روگلس[4]، وگمن[5]، نیومن و کونارد[6]، بکوویتز و ویلیامز[7]، بک‌من[8] و جز این ها است (افرازه 1384، ص. 38).

مدل بکوویتز و ویلیامز از یک سو به دلیل توسعه و گسترش بهتر مرحله های پیاده سازی مدیریت دانش و از سوی دیگر مناسبت تر بودن آن برای محیط های غیرانتفاعی انتخاب شد. مدل بکوویتز و ویلیامز شامل هفت مولفه: یافتن[9]، به کارگیری[10]، یادگیری[11]، تسهیم[12]، ارزیابی[13]، ایجاد/ نگهداری[14] و حذف[1] دانش است. توصیف این مولفه ها عبارتند از:

---

[1] Nonaka & Takeuchi
[2] Hicks
[3] Wiig
[4] Ruggles
[5] Weggeman
[6] Newman & Conard
[7] Bukowitz & Williams
[8] Beckman
[9] Get
[10] Use
[11] Learn
[12] Contribute
[13] Assess
[14] Build/ Sustain

1. یافتن دانش: یافتن، شناسایی، و سازماندهی دانش مرتبط با نیاز، شناسایی دانش درون و بیرون از سازمان؛
2. به کارگیری دانش: استفاده از دانش های موجود در تصمیم‌گیری ها و حل مسائل؛
3. یادگیری دانش: جمع‌آوری تجربه ها و آموخته ها از فعالیت های قبلی و یادگیری و کاربرد آن در فعالیت ها یا موقعیت های آتی؛
4. تسهیم دانش: اشتراک دانش موجود و انتقال آن به محل مورد نیاز یا فرد متقاضی؛
5. ارزیابی دانش: ارزیابی دانش موجود و نیازهای دانش فعلی و آتی سازمان؛
6. ایجاد/ نگهداری دانش: ایجاد محیطی به‌منظور تولید دانش جدید و ذخیره کردن آن با کمک فناوری های مناسب؛
7. حذف دانش: حذف دانش بیهوده و بدون کاربرد و یا ایجاد مخزنی برای آنها (آتشک و ماه زاده، 1388، ص. 436-437).



شکل 1. مدل بکوویتز و ویلیامز

در پیوند با موضوع پیاده‌سازی مدیریت دانش در بافت های مختلف پژوهش های زیادی صورت گرفته است که ناشی از درک اهمیت و ارزش دانش و مدیریت آن است. در پیوند با پژوهش حاضر، پژوهش های بی‌شماری در داخل و خارج از کشور انجام شده است. با بررسی کوتاهی بر این پژوهش‌ها روشن شد که بیشتر

---

[1] Divest

این پژوهش‌ها در آغاز بر قلمروهای تجاری و سازمانی متمرکز بود و سپس به دیگر قلمروها از جمله آموزش عالی، دانشگاه ها و کتابخانه ها راه یافت. از آنجا که بیشتر توجه و تمرکز پژوهش حاضر دانشگاه ها و کتابخانه های دانشگاهی است، بنابراین به پژوهش‌های مشابهی که در این بافت صورت گرفته اشاره می گردد.

ابزری و کرمانی القریشی (1384) به بررسی متغیرهای گردآوری اطلاعات، ذخیره اطلاعات، سازماندهی دانش، توزیع دانش، پالایش همیشگی دانش موجود و استفاده از دانش در شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان پرداخت. نتیجه این پژوهش نشان داد که میانگین نمره های زمینه های لازم برای پیاده‌سازی مدیریت دانش در شرکت سهامی ذوب آهن، در هر شش متغیر مورد بررسی کمتر از اندازه متوسط است.

خاتمیان‌فر (1386) در پژوهش خود به بررسی وضعیت به اشتراک‌گذاری دانش بر پایه مدل نوناکا و تاکه‌اوچی در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی پرداخت. یافته های پژوهش نشان داد که به طور کلی وضعیت زیرساختی اشتراک دانش در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی مناسب است. مصداق های در پیوند با سه گروه از فعالیت هایی که به اشتراک دانش کمک می کند (آموزش، بهره گیری از فناوری اطلاعات، و فعالیت‌های رسمی و غیررسمی) در کتابخانه مرکزی آستان قدس دیده شد. ولی، در پیوند با گروه چهارم (سیاست ها و راهبردها برای نهادینه کردن اشتراک دانش) مصداق هایی یافت نشد. همچنین، میزان بهره گیری کتابداران از این سازوکارها در دو مرحله اجتماعی‌سازی و ترکیب، از میزان استفاده از سازوکارهای موجود در مرحله برونی‌سازی بیشتر بود.

لاریجانی و نوری‌اصل (1387) به بررسی وضعیت مدیریت دانش در چهار حلقه خلق، سازماندهی، اشاعه و به کاربستن دانش در کتابخانه های عمومی استان آذربایجان شرقی پرداختند. یافته ها نشان داد که بالاترین میانگین در زمینه حلقه کاربرد دانش (3/63) و پایین‌ترین میانگین در زمینه حلقه تبادل دانش (2/92) است. میانگین دو حلقه خلق و سازماندهی دانش به ترتیب 3/15 و 3/07 است. بنابراین، وضعیت متوسط برای سه حلقه و پایین‌تر از متوسط برای یک حلقه نشان از وضعیت نه چندان مطلوب ولی، امیدوار کننده مدیریت دانش در این کتابخانه ها دارد.

عطاپور (1388) با بررسی وضعیت مدیریت دانش در فرایند چرخه آن (ایجاد، اشاعه، ذخیره و به کارگیری)، به تاثیر مهارت های کتابداران (مهارت های اجتماعی، تجاری، مدیریتی و تخصصی) و عامل های سازمانی (فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی، فناوری های ارتباطی، منابع انسانی و آموزش) در کتابخانه مرکزی

دانشگاه های تهران پرداخت. نتیجه پژوهش او نشان داد که کتابخانه های دانشگاهی شهر تهران در جنبه های مختلف چرخه مدیریت دانش، در وضعیت مناسبی قرار ندارد و همگی پایین‌تر از میانگین قرار دارند.

حسین زاده (1389) در پژوهش خود به بررسی میزان کاربست مدیریت دانش و مقایسه آن در کتابخانه های دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و تبریز از نظر کتابداران پرداخت. نتیجه پژوهش نشان داد که میزان کاربست مدیریت دانش در کتابخانه های دانشگاه های علوم پزشکی اصفهان و تبریز به غیر از مولفه خلق دانش مناسب نیست. میانگین خلق دانش در هر دو دانشگاه بالاتر از اندازه متوسط و میانگین ذخیره و نشر دانش در هر دو دانشگاه پایین تر از متوسط است. همچنین، میانگین کاربرد دانش در کتابخانه‌های دانشگاه علوم پزشکی اصفهان پایین تر از اندازه متوسط و در کتابخانه های دانشگاه علوم پزشکی تبریز بالاتر از متوسط می باشد.

ماپونیا (Maponya, 2004) در پژوهشی با عنوان "فعالیت های مدیریت دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی: مطالعه موردی دانشگاه ناتال" به‌بررسی وضعیت مدیریت دانش در کتابخانه های دانشگاه ناتال آفریقای جنوبی پرداخت. هدف از پژوهش او درک وضعیت مدیریت دانش موجود و ایجاد روش هایی است که کتابداران این دانشگاه با تجهیز به مدیریت دانش بتوانند در خدمات خود ارزش افزوده ایجاد کنند. پژوهشگر در پی بررسی مولفه هایی همچون سیاست ها و راهبردها، رهبری، اشتراک دانش و نگهداری دانش بود. یافته ها نشان داد که در کتابخانه های دانشگاه ناتال از عامل های یاد شده، تنها اشتراک دانش به صورت غیررسمی، غیرنظام مند و از طریق خبرنامه ها و همکاری درکارهای گروهی در وضعیت طبیعی قرار دارد. همچنین، هیچ نوع خط‌مشی و راهبرد ویژه ای درباره مدیریت دانش وجود ندارد.

الحماد و دیگران (Alhammad et al., 2009) در پژوهشی به بررسی اشتراک دانش در دانشگاه های اردن پرداختند. این پژوهشگران برای سنجش اشتراک دانش هفت مولفه ارتباط های دو جانبه، روندهای کاری سازمان، حس همبستگی، خلاقیت، احساس مثبت به اشتراک دانش، اشتیاق به اشتراک دانش و داشتن رفتار اشتراک دانش را تعیین کرده اند. یافته‌ها نشان داد که کارمندان آموزشی نسبت به کارمندان اداری تمایل کمتری به اشتراک دانش دارند. کارمندان آموزشی علاقه کمتری در ارتباط های دو سویه، انجام کارهای گروهی و انگیزه اشتراک دانش خود دارند. افزون بر این، کارمندان جوان به داشتن خلاقیت در کار خود تشویق نمی‌شوند. در مورد تحلیل عامل های دموگرافیک نیز، هیچ‌گونه ارتباطی میان کارمندان مرد و زن در اشتراک دانش یافت نشد.

نتیجه‌گیری از پیشینه پژوهش

با جریان شناسی و بررسی پژوهش‌های انجام شده در این قلمرو می‌توان آنها را در چهار دسته کلی خلاصه کرد:

1. پژوهش های در پیوند با زیرساخت های اولیه مدیریت دانش: در این پژوهش ها تمرکز بر بررسی شرایط و بسترهای لازم برای انجام پیاده سازی مدیریت دانش است، مانند لاریجانی و نوری‌اصل (1387) و حسین‌زاده (1389) .
2. پژوهش های در پیوند با فرایندها و رویکردها: در این پژوهش ها تمرکز بر سبک ها، اعمال فرایندی در اشتراک دانش، معرفی رویکردها و موضوع های نظری مدیریت دانش است، مانند الحماد و دیگران (Alhammad et al., 2009)و ماپونیا (Maponya, 2004).
3. پژوهش های در پیوند با فناوری‌های مدیریت دانش: در این پژوهش ها تمرکز بر به کارگیری و بررسی فناوری های مدیریت دانش در موقعیت های مختلف و سنجش آنها است، مانند مفیدی و سنیمان[1] (1385)، رودریگز و دیگران (Rodrigues et al., 2006).
4. پژوهش های در پیوند با عنصر انسانی: در این پژوهش ها تمرکز بر عنصر انسانی، مدیریت منابع انسانی در فعالیت های مدیریت دانش، نقش آنها در شکل‌گیری درست مدیریت دانش و تشکیل جامعه های کاری است، مانند شان هونگ (Shanhong, 2000).

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان خلاءهای پژوهشی را دید. بیشتر پژوهش ها بر فرایندها و زیرساخت‌ها انجام شده است. یکی از موردهایی که در مدیریت دانش به آن کمتر پرداخته شده، مدل‌ها و کاربرد آنها در پیاده‌سازی مدیریت دانش است. بنابراین، این قلمرو از مدیریت دانش نیازمند انجام پژوهش‌های بیشتری می‌باشد. پژوهش حاضر در راستای این هدف و مسئله شکل گرفت. همچنین، از آنجا که اندک پژوهش های انجام شده بر مدل نوناکا و تاکه‌اوچی تمرکز داشته اند، توجهی به دیگر مدل ها نشده است. از این رو، بررسی و پیاده سازی چنین مدل هایی ضروری به نظر می رسد. بنابراین، پژوهش حاضر مدل بکوویتز و ویلیامز را به‌عنوان

---

[1] Maphidi & Snyman

مدلی مناسب برای پیاده‌سازی مدیریت دانش در محیط های غیرانتفاعی همچون کتابخانه های دانشگاهی برگزیده است. آنچه که باعث تمایز این پژوهش با دیگر پژوهش ها می‌شود، بسط و امکان بررسی بیشتر این مدل است.

تعریف های عملیاتی

در پژوهش حاضر منظور از امکان پیاده‌سازی مدیریت دانش، میانگین نمره های نمونه آماری به پرسشنامه پژوهشگر ساخته چهل و پنج پرسشی بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز در مقیاس پنج درجه ای لیکرت است. همچنین، منظور از کتابخانه‌های دانشگاهی، تمام کتابخانه‌هایی می باشد که در هر سه دانشگاه اصفهان، صنعتی اصفهان، و علوم پزشکی اصفهان در قالب بیمارستانی، دانشکده‌ای، و مرکزی بوده که مخاطبان آنها اعضای هیئت علمی، دانشجویان، و کارکنان دانشگاه است. هدف از کتابدار، تمامی کارکنانی است که در کتابخانه های دانشگاه های اصفهان، صنعتی اصفهان، و علوم پزشکی اصفهان به‌عنوان کتابدار، خواه دارای مدرک کتابداری یا غیرکتابداری، در سال 1388-1389 مشغول به فعالیت می باشند.

طرح پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی- پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کتابداران کتابخانه های مرکزی، دانشکده ای و بیمارستانی سه دانشگاه بزرگ دولتی شهر اصفهان یعنی دانشگاه اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال تحصیلی 1389-1388 است (197 نفر). گفتنی است شهر اصفهان دارای دو دانشگاه پیام نور و دانشگاه جامع علمی – کاربردی نیز می باشد که به علت نداشتن استانداردهای اولیه از جامعه پژوهش کنار گذاشته شد. به‌منظور تعیین حجم نمونه، در آغاز مطالعه‌ای مقدماتی بر 30 نفر از آزمودنی‌ها انجام گرفت و واریانس جامعه محاسبه گردید. سپس از فرمول نمونه گیری عمومی کوکران استفاده شد که در نهایت تعداد 138 نفر از میان اعضای جامعه به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه ای[1] انتخاب شدند. همچنین، به منظور جلوگیری از کاهش حجم نمونه و عدم برگشت تعدادی از پاسخنامه‌ها، تعداد 145 پرسشنامه در میان کتابداران پخش شد. سرانجام، 127 پاسخنامه معادل 92/02% از کتابداران دریافت گردید.

---

[1] Random stratified sampling

پژوهشنامه کتابداری و اطلاع رسانی
شماره 1، سال 1، بهار و تابستان 1390

در پژوهش حاضر به منظور بررسی امکان پیاده‌سازی مدیریت دانش از پرسشنامه استفاده شد. این پرسشنامه، پژوهشگر ساخته و دارای 45 گویه بر پایه مولفه‌های مدل بکوویتز و ویلیامز بود. پرسشنامه پیش گفته دیدگاه‌های کتابداران را درباره یافتن دانش(7 گویه)، به کارگیری دانش (6 گویه)، یادگیری دانش (5 گویه)، تسهیم دانش (9 گویه)، ارزیابی دانش (5 گویه)، ایجاد/ نگهداری دانش (9 گویه) و حذف دانش (4 گویه) با طیف پنج درجه‌ای لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) اندازه‌گیری می‌کرد. همچنین، پرسش هایی در مورد جنسیت، رشته تحصیلی، سابقه اشتغال، سطح تحصیلات، نوع کار، و نوع کتابخانه در آغاز پرسشنامه مطرح شد. روایی صوری پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصان این قلمرو (8 نفر) بررسی و بر پایه آن ویرایش هایی انجام گرفت. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آن برای مولفه های مختلف از 0/7 تا 0/85 بود. در پژوهش حاضر امکان پیاده‌سازی مدیریت دانش از طریق میانگین نمره های نمونه آماری در پرسشنامه پیش گفته، اندازه گیری شد.

برای تجزیه و تحلیل داده های پاسخنامه، از نرم افزار آماری SPSS 16 در دو سطح توصیفی و استنباطی استفاده شد. در سطح آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، واریانس و انحراف معیار استفاده شد. در سطح آمار استنباطی نظر به اینکه استفاده از آزمون پارامتریک نیازمند اطمینان از نرمال بودن توزیع داده ها بود، در آغاز آزمون کولموگروف- سمیرنوف اجرا و پس از آن برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های t تک نمونه ای، t [2] هتلینگ[1] ، تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا)[2]، و آزمون تعقیبی شفه[3] استفاده شد. آزمون t تک نمونه ای برای معنادار بودن تفاوت میان میانگین نمونه ها به کار می‌رود در این حالت تنها یک جامعه و یک نمونه وجود دارد (واگان، 1384، ص. 170). از این آزمون برای تعیین امکان پیاده‌سازی مدیریت دانش بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز استفاده شد. آزمون t [2] هتلینگ نیز برای بررسی معنادار بودن اختلاف میانگین میان متغیرهای مدل بکوویتز و ویلیامز استفاده شد. در این پژوهش بالاترین نمره شاخص ها 5، کمترین آن 1 و میانگین پرسش ها 3 است.

---

[1] Hotelling
[2] MANOVA
[3] Scheffe

تجزیه و تحلیل داده ها و ارائه یافته ها

در این بخش، نخست نتیجه به دست آمده از تجزیه و تحلیل متغیرهای جمعیت شناختی پرسشنامه ارائه می گردد. سپس، به تجزیه و تحلیل پرسش های پرسشنامه پرداخته می شود.

تجزیه و تحلیل عامل های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها نشان داد که 50 نفر (39/37%) از آزمودنی ها در دانشگاه اصفهان، 25 نفر (19/69%) در دانشگاه صنعتی اصفهان، و 52 نفر (40/94%) در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بودند. همچنین، 81/1% از آزمودنی ها زن، و بقیه مرد؛ 40/94% از آزمودنی ها در کتابخانه مرکزی، 50/4% در کتابخانه های دانشکده ای و 8/66% در کتابخانه های بیمارستانی اشتغال داشتند. 71/65% از آزمودنی ها دارای تحصیلات کتابداری و اطلاع‌رسانی و بقیه غیرکتابداری بودند. 27/56% از آزمودنی ها در بخش خدمات فنی، 60/63% در بخش خدمات عمومی و 11/81 در بخش مدیریت یا سرپرستی مشغول به فعالیت بودند. همچنین، 7/09% از آزمودنی ها دارای تحصیلات دیپلم، 6/3% کاردانی، 72/44% کارشناسی و 14/17% کارشناسی ارشد بودند. در نهایت 22/84% از آزمودنی ها دارای سابقه کاری کمتر از 6 سال، 33/07% میان 7 تا 12 سال، 21/26% 13 تا 18 سال، 17/32% 19 تا 24 سال و 5/51% بیش از 25 سال بودند.

پرسش 1. تا چه میزان پیاده سازی "یافتن دانش" در کتابخانه های دانشگاهی شهر اصفهان امکان پذیر است؟

جدول 1. نتیجه آزمون t تک متغیره، مقایسه میانگین با میانگین فرضی(X=3)

پرسش اول	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	t	P
یافتن دانش	3/07	0/079	0/531	1/68	0/095

نتیجه آزمون t تک متغیره در جدول 1 نشان داد، P به دست آمده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای 0/05 بزرگتر و اختلاف دیده شده معنادار نیست (P>0/05). همچنین، با توجه به میانگین دیده شده، پاسخگویان بر این باور بودند که امکان پیاده‌سازی یافتن دانش در کتابخانه های دانشگاهی شهر اصفهان بالاتر از اندازه متوسط است.

پرسش 2. تا چه میزان پیاده‌سازی "به کارگیری دانش" در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان امکان‌پذیر است؟

جدول 2. نتیجه آزمون t تک متغیره، مقایسه میانگین با میانگین فرضی(X=3)

پرسش دوم	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	t	P
به کارگیری دانش	3/064	0/064	0/569	1/073	0/285

نتیجه آزمون t تک متغیره در جدول 2 نشان داد، P به دست آمده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای 0/05 بزرگتر و اختلاف دیده شده معنادار نیست (P>0/05). همچنین، با توجه به میانگین به دست آمده، پاسخگویان بر این باور بودند که امکان پیاده‌سازی و به کارگیری دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان بالاتر از اندازه متوسط است.

پرسش 3. تا چه میزان پیاده‌سازی "یادگیری دانش" در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان امکان پذیر است؟

جدول 3. نتیجه آزمون t تک متغیره، مقایسه میانگین با میانگین فرضی(X=3)

پرسش سوم	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	t	P
یادگیری دانش	2/57	-0/422	0/725	-6/55	0/001

نتیجه آزمون t تک متغیره در جدول 3 نشان داد، P به دست آمده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای 0/05 کوچکتر و اختلاف دیده شده معنادار است (P<0/05). همچنین، با توجه به میانگین به دست آمده، پاسخگویان بر این باور بودند که امکان پیاده‌سازی یادگیری دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان پایین‌تر از اندازه متوسط است.

پرسش 4. تا چه میزان پیاده‌سازی "تسهیم دانش" در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان امکان‌پذیر است؟

جدول 4. نتیجه آزمون t تک متغیره، مقایسه میانگین با میانگین فرضی(X=3)

پرسش چهارم	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	t	P
تسهیم دانش	2/65	-0/341	0/618	-6/225	0/001

داده‌های جدول 4 نشان داد، P به دست آمده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای 0/05 کوچکتر و اختلاف دیده شده معنادار است (P<0/05). همچنین، با توجه به میانگین به دست آمده، پاسخگویان بر این باور

بودند که امکان پیاده‌سازی تسهیم دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان پایین تر از اندازه متوسط است.

پرسش 5. تا چه میزان پیاده‌سازی "ارزیابی دانش" در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان امکان پذیر است؟

جدول 5. نتیجه آزمون t تک متغیره، مقایسه میانگین با میانگین فرضی(X=3)

پرسش پنجم	میانگین	انحراف میانگین	انحراف معیار	t	P
ارزیابی دانش	2/72	-0/276	0/804	-3/875	0/001

نتیجه آزمون t تک متغیره در جدول 5 نشان داد، P به دست آمده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای 0/05 کوچکتر و اختلاف دیده شده معنادار است (P<0/05). همچنین، با توجه به میانگین به دست آمده، پاسخگویان بر این باور بودند که امکان پیاده‌سازی ارزیابی دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان پایین تر از اندازه متوسط است.

پرسش 6. تا چه میزان پیاده‌سازی "ایجاد/ نگهداری دانش" در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان امکان‌پذیر است؟

جدول 6. نتیجه آزمون t تک متغیره، مقایسه میانگین با میانگین فرضی(X=3)

پرسش ششم	میانگین	انحراف میانگین	انحراف معیار	t	P
ایجاد/ نگهداری دانش	2/68	-0/317	0/649	-5/514	0/001

نتیجه آزمون t تک متغیره جدول 6 نشان داد، P به دست آمده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای 0/05 کوچکتر و اختلاف دیده شده معنادار است (P<0/05). همچنین، با توجه به میانگین به دست آمده، پاسخگویان بر این باور بودند که امکان پیاده‌سازی ایجاد/ نگهداری دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان پایین تر از اندازه متوسط است.

پرسش 7. تا چه میزان پیاده‌سازی "حذف دانش" در کتابخانه های دانشگاهی شهر اصفهان امکان پذیر است؟

جدول 7. نتیجه آزمون t تک متغیره، مقایسه میانگین با میانگین فرضی(X=3)

پرسش هفتم	میانگین	انحراف میانگین	انحراف معیار	t	P
حذف دانش	2/57	-0/42	0/811	-5/844	0/001

نتیجه آزمون t تک متغیره در جدول 7 نشان داد، P به دست آمده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای 0/05 کوچکتر و اختلاف دیده شده معنادار است (P<0/05). همچنین، با توجه به میانگین به دست آمده، پاسخگویان بر این باور بودند که امکان پیاده سازی حذف دانش در کتابخانه های دانشگاهی شهر اصفهان پایین تر از اندازه متوسط است.

پرسش 8. آیا امکان پیاده سازی مدیریت دانش در کتابخانه های دانشگاهی شهر اصفهان بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز به طور یکسان وجود دارد؟

برای پاسخ به پرسش هشت لازم است مشخص شود که آیا میان مولفه های مدل پیش گفته در کتابخانه های دانشگاهی شهر اصفهان تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین، از آزمون t^2 هتلینگ استفاده شد.

جدول 8. مقایسه میانگین مولفه‌های مدل بکوویتز و ویلیامز در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان

مولفه‌های مدل بکوویتز و ویلیامز	میانگین	انحراف معیار
یافتن دانش	3/07	0/531
به کارگیری دانش	3/064	0/569
یادگیری دانش	2/57	0/725
تسهیم دانش	2/65	0/618
ارزیابی دانش	2/72	0/804
ایجاد/ نگهداری دانش	2/68	0/649
حذف دانش	2/57	0/811

$t^2 = 38/927$ F = 6/673 P =0/00

بر پایه یافته های جدول 8، P به دست آمده در سطح $P \leq 0/05$ معنادار می باشد. یعنی تفاوت میان میانگین مولفه های مدل بکوویتز و ویلیامز معنادار است. بنابراین، امکان پیاده سازی مدیریت دانش در کتابخانه های دانشگاهی شهر اصفهان بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز به طور یکسان وجود ندارد. همچنین، یافته ها نشان داد

که بیشترین امکان موجود در پیوند با یافتن دانش با میانگین 3/07 و کمترین امکان در زمینه یادگیری و حذف دانش با میانگین 2/57 است.

پرسش 9. آیا تفاوتی میان هر یک از متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنسیت، رشته تحصیلی، سابقه اشتغال و غیره) و دیدگاه کتابداران در پیوند با امکانات لازم برای پیاده‌سازی مدیریت دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز وجود دارد؟

برای تعیین معناداری میانگین نمره های آزمودنی ها بر پایه عامل های جمعیت‌شناختی (جنسیت، رشته‌ی تحصیلی، سابقه اشتغال، سطح تحصیلات، نوع کار، و نوع کتابخانه) از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) استفاده شد. همان طور که در جدول 9 دیده می شود، اختلاف دیده شده میان میانگین آزمودنی‌ها بر پایه عامل های جمعیت‌شناختی در کتابخانه های دانشگاهی شهر اصفهان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (P>0/05).با این وجود، در عامل سطح تحصیلات اگر چه به طور کلی تفاوت معنادار نبود ولی در مولفه تسهیم و ارزیابی دانش تفاوت معنادار (P0<0/05) دیده شد. برای تعیین منبع این تفاوت از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد که در جدول 10 دیده می شود. نتیجه این آزمون نشان داد میان دیدگاه کتابداران با سطح تحصیلات دیپلم نسبت به کارشناسی ارشد تفاوت معناداری وجود دارد. به سخنی دیگر کتابداران با سطح تحصیلات دیپلم امکان پیاده‌سازی تسهیم و ارزیابی دانش را نسبت به کتابداران با سطح تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد بیشتر می دانند.

جدول 9. آماره بر حسب عامل های جمعیت‌شناختی با توجه به مولفه‌های پژوهش (مانوا)

عامل های جمعیت‌شناختی	F	P
جنسیت	1/26	2/73
رشته تحصیلی	1/302	0/255
سابقه	1/29	0/144
سطح تحصیلات	1/28	0/184
نوع کار	0/501	0/931
نوع کتابخانه	1/164	0/28

جدول 10. مقایسه زوجی اختلاف میانگین نمره امکان تسهیم و ارزیابی دانش با توجه به سطح تحصیلات

متغیر	سطح تحصیلات	P	اختلاف میانگین
تسهیم دانش	دیپلم ← کارشناسی	0/011	0/709
	دیپلم ← کارشناسی‌ارشد	0/043	0/706
ارزیابی دانش	دیپلم ← کارشناسی	0/029	0/834
	دیپلم ← کارشناسی‌ارشد	0/031	0/966

بحث و نتیجه‌گیری

یافته ها نشان داد که به جز دو مولفه یافتن و به کارگیری دانش، تمام مولفه‌ها کمتر از اندازه متوسط بوده و در وضعیت مناسبی قرار ندارند. تحلیل و آزمون کل مولفه‌ها یا به نوعی مدل بکوویتز و ویلیامز نشان داد که P به دست آمده (0/00) از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای 0/05 کوچکتر و اختلاف دیده شده معنادار است (P<0/05). همچنین، با توجه به میانگین به دست آمده (19/36) نسبت به میانگین فرضی (X=21)، پاسخگویان بر این باور بودند که امکان پیاده‌سازی مدیریت دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز پایین‌تر از اندازه متوسط است و در وضعیت مناسبی قرار ندارد. بنابراین، نیاز به توجه بیشتر به امکانات و زیرساخت‌های مناسب در این سه دانشگاه برای پیاده‌سازی برنامه‌های مدیریت دانش است. یکی از چالش‌های بنیانی در پیاده‌سازی مدیریت دانش در دانشگاه‌ها نبود فرهنگ اشتراک دانش می باشد که ناشی از نداشتن فرهنگ سازمانی مناسب است. عامل های فرهنگی و انسانی بیشترین نقش را در پیاده‌سازی اصولی برنامه‌های مدیریت دانش دارند که نیازمند توجه بیشتر به این امر است.

یافته های این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های مشابه نشان داد که با بیشتر آنها در یک راستا می باشد. مولفه یافتن و به کارگیری دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان در وضعیت مناسبی قرار دارد، که با پژوهش لاریجانی و نوراصل (1387) همخوانی دارد.

مولفه تسهیم دانش که مهمترین مولفه و به نوعی مرکز ثقل برنامه‌های مدیریت دانش است در کتابخانه های دانشگاه‌های شهر اصفهان در وضعیت مناسبی قرار ندارد. بیشتر سازمان ها نیز در تسهیم دانش به علت نداشتن فرهنگ سازمانی مناسب با مشکل مواجه هستند که نیازمند برنامه ریزی و توجه جدی است. تسهیم دانش نیاز به ایجاد بستر و زمینه مناسبی دارد که کتابداران بتوانند دانش خود را به اشتراک بگذارند. این مولفه با پژوهش‌های

حسین زاده (1389)، عطاپور (1388)، لاریجانی و نوری اصل (1387)، ابزری وکرمانی القریشی (1384)، و الحماد و دیگران (Alhammad et al., 2009) همخوانی دارد.

مولفه ارزیابی دانش در کتابخانه های دانشگاه‌های شهر اصفهان در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. این نتیجه نیز با پژوهش ابزری و کرمانی‌القریشی (1384) در یک راستا قلمداد می‌شود. این مولفه نیاز به تعیین معیارهای مناسب برای ارزیابی دانش موجود و آتی مورد نیاز هر بخش و واحد به طور مجزا دارد. همچنین، مولفه ایجاد/ نگهداری دانش که در کتابخانه های دانشگاه‌های شهر اصفهان در وضعیت مطلوبی قرار ندارد، با پژوهش های عطاپور (1388)، ابزری و کرمانی القریشی (1384)، و ماپونیا (Maponia, 2004) در یک راستا می باشد. با استفاده از فناوری، وضعیت نگهداری و ذخیره دانش تا اندازه ای مناسب است. ولی، ایجاد و خلق دانش بیشتر با عامل های انسانی سر و کار دارد که مسئولان باید به این مسئله توجه داشته باشند.

همچنین، نتیجه عامل های جمعیت‌شناختی نشان داد که اختلاف دیده شده میان میانگین آزمودنی‌ها بر پایه جنسیت، رشته تحصیلی، سابقه اشتغال، سطح تحصیلات، نوع کار و نوع کتابخانه در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($P>0/05$). تنها در عامل سطح تحصیلات در مولفه تسهیم و ارزیابی دانش تفاوت معناداری دیده شد ($P<0/05$). به سخنی دیگر، کتابداران با سطح تحصیلات دیپلم امکان پیاده سازی تسهیم و ارزیابی دانش را نسبت به کتابداران با سطح تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد بیشتر می دانند. این امر می تواند ناشی از نبود درک و آگاهی کتابدارانی که دارای تحصیلات کتابداری نیستند، نسبت به مبحث دانش و مدیریت دانش باشد. همچنین، می توان چنین نتیجه گرفت که کتابداران دارای مدرک کتابداری به علت درک دانش و اطلاعات، بهتر توان اجرا و مدیریت برنامه‌های مدیریت دانش را دارند.

با توجه به اهمیت روز افزون دانش در سازمان هایی همچون دانشگاه ها، مدیریت دانش ابزاری بسیار سودمند برای بهره مندی از مزایای آن خواهد بود. همچنین، کتابخانه های دانشگاهی با استفاده از برنامه های مدیریت دانش می توانند از دانش کتابداران، اطلاعات و دانش موجود در مخزن های سازمانی بهترین سود را ببرند. یکی از بهترین بخش های کتابخانه که می تواند از برنامه های مدیریت دانش استفاده کند، بخش مرجع و خدمات فنی (فهرستنویسی و رده بندی) است زیرا در این بخش به علت کارهای تخصصی بیشتر می‌توان با اعمال فعالیت‌های مدیریت دانش، موجب تسهیل اشتراک دانش شد. کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی با اجرای

صحیح برنامه های مدیریت دانش می توانند ارائه خدمات خود را بهبود داده و نیازهای اطلاعاتی مراجعه کنندگان را بهتر برآورده سازند. بنابراین، پیشنهادهای کاربردی در پیوند با مولفه‌های پژوهش بیان می گردد:

- توجه بیشتر به مشارکت کتابداران در حل مسائل و تصمیم گیری ها؛
- برگزاری دوره های ضمن خدمت، برنامه های آموزشی مناسب، پیوند مستمر با گروه های کتابداری؛
- ایجاد مشوق های مادی (افزایش حقوق، ترفیع شغلی) و غیرمادی (تشویق، احترام) برای تسهیم دانش، پشتیبانی مدیریت از تسهیم دانش، ایجاد فرهنگ تسهیم دانش؛
- تعیین سنجه های کیفی ارزیابی دانش، تعیین شکل و نوع دانش مورد نیاز هر یک از بخش ها؛
- ایجاد مکان هایی برای تعامل غیررسمی و دوستانه، استفاده بهینه از کارمندان با تجربه و به ویژه افراد نزدیک به بازنشستگی؛
- دنبال کردن فرایند روزآمدی منابع دانش، ایجاد شاخص معینی برای حذف موردهای بدون کاربرد.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

در ادامه پیشنهادهایی که در پیوند با پژوهش حاضر است، ارائه می شود:

- امکان سنجی پیاده‌سازی مدیریت دانش در کتابخانه های دیگر دانشگاه های کشور؛
- بررسی تطبیقی دو مدل پیاده سازی مدیریت دانش در کتابخانه های دانشگاهی و تعیین تفاوت آن؛
- بررسی مانع ها و مشکل های پیاده سازی برنامه های مدیریت دانش در محیط های دانشگاهی؛
- بررسی و تعیین اثر فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی در اشتراک دانش در کتابخانه های دانشگاهی.

کتابنامه

آتشک، محمد، و ماه زاده، پریسا (1388). روش‌شناسی فرایند مدل‌های استقرار مدیریت دانش به منظور ارایه روشی تلفیقی. در مجموعه *مقالات دومین همایش ملی مدیریت دانش و علوم اطلاعات: پیوندها و برهم-کنش‌ها* (ص. 419-447)، 10-11 بهمن 1388، تهران، ایران. تهران: کتابدار.

ابزری، مهدی، و کرمانی‌القریشی، محمدرضا (1384). امکان‌سنجی استقرار مدیریت دانش در صنعت فولاد کشور: مورد مطالعه شرکت ذوب آهن اصفهان. *مجله دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان*، *17(3)*، 121-138.

افرازه، عباس (1384). *مدیریت دانش: مفاهیم، مدل‌ها، اندازه‌گیری و پیاده‌سازی*. تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

تاونلی، چارلز تی. (1380). مدیریت دانش و کتابخانه های دانشگاهی. (ترجمه مهدی خادمیان). *کتابداری و اطلاع‌رسان*، *4(3)*، 99-120.

حسین‌زاده، اکبر (1389). *مقایسه میزان کاربست مدیریت دانش در بین کارکنان کتابخانه‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی اصفهان و تبریز بر اساس مدل هیسیگ*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم کتابداری و اطلاع-رسانی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، 1389).

خاتمیان فر، پریسا (1386). *بررسی وضعیت، شیوه ها و عوامل موثر بر اشتراک دانش دانش در سازمان کتابخانه ها ، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی*. (پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی، 1386).

داونپورت، توماس، و پروساک، لاری (1379). *مدیریت دانش*. (ترجمه محمد رحمان پاک‌سرشت). تهران: ساپکو.

شاهقلیان، کیوان، و پاسلار، شهلا (1388). ارایه‌ی الگوی ارزیابی سطح مدیریت دانش در پالایشگاه نفت بندرعباس. *فصلنامه نفت و انرژی*، *4(32)*، 40-51.

عطاپور، هاشم (1388). بررسی و تحلیل عوامل موثر بر چرخه مدیریت دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی: مطالعه موردی کتابخانه‌های مرکزی دانشگاههای تهران. در مجموعه *مقالات همایش ملی مدیریت دانش و علوم اطلاعات: پیوندها و برهم‌کنش‌ها* (ص. 25-41). 10-11 بهمن 1388، تهران، ایران. تهران: نشرکتابدار.

فایرستون، ژوزف، و مک الروی، مارک (1387). *مباحث کلیدی در مدیریت دانش*. (ترجمه احمد جعفرنژاد و خدیجه سفیری). تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.

لاریجانی، حجت‌اله، و نوری‌اصل، موسی (1388). امکان‌سنجی ارائه مدیریت دانش در کتابخانه‌های عمومی استان آذربایجان شرقی. *فصلنامه دانش شناسی*، *2(5)*،73-80.

مفیدی، همیلتون، و سنیمان، ردا (1385). کاربرد اینترانت بعنوان یک ابزار مدیریت دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی. (ترجمه مریم صراف زاده). *ارتباط علمی*، *5(2)*، 47-55. بازیابی شده در 24 مهر 1388 از http://ejournal.irandoc.ac.ir/browse.php?a_code=A-10-2-268

واگان، لیون (1384). *روشهای آماری برای متخصصان کتابداری و اطلاع رسانی: رویکرد کاربردی و ساده برای درک، استفاده و تفسیر علم آمار*. (ترجمه محمدرضا قانع و کیوان کوشا). تهران: چاپار.

Alhammad, F., Al Faori, S., & Abu Husan, L. S. (2009). Knowledge sharing in the Jordanian universities. *Journal of Knowledge Management Practice*, *10(3)*. Retrieved October 14, 2009 from http://www.tlainc.com/articl199.htm.

Bornemann, M., Graggober, M., Hartlieb, E. Humpl, B. Koronakis, Ph., Primus, A., … Wöls, K. (2003). *An illustrated guide to knowledge management*. Austria: Wissensmanagement Forum. Retrieved February 12, 2009 from http://www.innovation.at/wp-content/uploads/2011/02/An_Illustrated_Guide_to_ Knowledge_Management.pdf

Mohayidin, M. G., Azirawani, N., Kamaruddin, M. N., & Idawati, M. (2007). The Application of Knowledge Management in Enhancing the Performance of Malaysian Universities. *Electronic Journal of Knowledge Management*, *5(3)*, 301-312. Retrieved October 20, 2009 from http://www.ejkm.com/volume5/issue3.

Ralph, L. L. (2008). *An Investigation of a Knowledge Management Solution for Reference Services*. (Doctoral dissertation, Nova Southeastern University, 2008). Retrieved February 15, 2009 from http://proquest.umi.com/pqdweb?did=1472137061&sid=1&Fmt=2&clientId=46431&RQT=309&VName=PQD.

Rodrigues, L. R., Gayathri, R. S., & Rao, S. (2006). Empirical study based education of KM models in the IT sectors: Implications for quality outcomes. *Journal of Knowledge Management Practice*, *7(3)*. Retrieved March, 2, 2009 from http://www.tlainc.com/articl116.html.

Servin, G., & De Brun, C. (2005). *A B C of knowledge management*. NHS National Library for

Health: Knowledge Management specialist library. Retrieved February 12, 2009 from http://www.library.nhs.uk/knowledgemanagement.

Shanhong, T. (2000). Knowledge management in libraries in the 21st century. In *66th IFLA Council and General Conference,* August 13-18, Jerusalem, Israel. Retrieved July 27, 2009 from http://archive.ifla.org/IV/ifla66/papers/057-110e.htm.

Wilson, T. D. (2002). The nonsense of Knowledge management. *Information Research, 8(1).* Retrieved March 2, 2009 from http://informationr.net/ir/8-1/paper144.html.

Yang, W., & Lynch, B. P. (2006). On knowledge management and the role of the library in the process of knowledge management. *Chinese Librarianship: an International Electronic Journal,* (*21).* Retrieved September 10, 2009 from www.white-clouds.com /iclc/cliej/cl21YangLynch.htm.